

راه حرکت به جلو در مصر

۲۶ نوامبر ۲۰۱۲

یوهانس اشترن

فرمان قانون اساسی توسط رئیس جمهور مصر، محمد مرسی، طبقه‌ی کارگر را با سوالات اساسی در ارتباط با چشم انداز سیاسی مواجه می‌کند. طبق این فرمان، مرسی تمام قدرت مقننه، قانون اساسی، مجریه و قضائی را در دست خود متمرکز می‌کند.

رئیس جمهور اخوان المسلمین در هفته‌ی گذشته اعلام کرد، که او برای خود اختیارات فوق‌العاده قائل است "تا هر گونه اقدامی را که مناسب می‌بیند به منظور حفظ و حراست از انقلاب، وحدت و امنیت ملی عملی سازد". اشاره به حفاظت از "انقلاب" ترفندی بیش نیست. هدف اصلی اقدامات مرسی طبقه‌ی کارگر است. این تدابیر گسترده ضد دموکراتیک در تلاش برای تحکیم حاکمیت بورژوازی و در اتحاد نزدیک با ایالات متحده آمریکا انجام می‌گیرند. اقدامات مرسی شکاف‌های عمیق در دولت مصر را برملا کردند و بخش‌هایی از دستگاه دولتی سابق در تقابل با تدابیر رئیس جمهور قرار گرفتند. محمد البرادعی، که خود زمانی برای جانشینی دیکتاتور سرنگون شده، حسنی مبارک، رقیب اخوان المسلمین بود، ضمن محکوم کردن مرسی او را "فرعون جدید" نامید. سعی او استفاده از نفرت عمیق لایه‌های گسترده اجتماعی بر علیه اقدامات مرسی است. هیچ کدام از جناح‌های بورژوازی حاکم اما برای طبقه‌ی کارگر یک راه به جلو را ارائه نمی‌دهند.

شیوه و عمل مرسی تأییدی بر نگرش اساسی انقلاب پیگیر تروتسکی می‌باشد. بر اساس این تئوری وظایف انقلاب دموکراتیک، از جمله استقلال از امپریالیسم، تنها از طریق بسیج مستقل طبقه‌ی کارگر در یک انقلاب سوسیالیستی قابل حل و فصل می‌باشند.

اقدامات مرسی به شکل قابل توجهی موجب شعله ور شدن اعتراضات توده‌ای شد. تظاهرات در میدان التحریر مبارزات اولیه انقلابی ژانویه ۲۰۱۱ بر علیه مبارک را در خاطره‌ها زنده می‌کنند. یکی از محبوب‌ترین شعارها این است: "مرسی مبارک سرنگون، سرنگون".

ضروری‌ترین مسئله اما یک ارزیابی روشن از تجارب تاکتونی انقلاب مصر است. خیزش انقلابی در سال گذشته اگر چه به سرنگونی مبارک انجامید، اما قادر به حل هیچ یک از مشکلات اساسی توده‌های مصری نبود. فقدان چشم انداز مستقل و رهبری طبقه‌ی کارگر، دستان بورژوازی مصر را در به قدرت رساندن مرسی و تداوم سیاست‌های بنیادین خود آزاد گذاشت: تداوم فوق استعمار کارگران، همکاری با امپریالیسم آمریکا، و حاکمیت دیکتاتوری.

در این راه، ایالات متحده به عنوان اصلی‌ترین حامی امپریالیستی مصر نقشی حیاتی ایفا نمود. زمان سنجی فرمان مرسی تصادفی نیست. بیانیه مرسی یک روز پس از سپاسگزاری از او توسط هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا برای ایفای نقش وی در طول حمله‌ی وحشیانه‌ی رژیم اسرائیل به غزه، صادر شد. در حالی که موشک‌ها بر سر غیر نظامیان در غزه می‌باریدند، مرسی خود را به عنوان یک آلت دست قابل اعتماد برای امپریالیسم آمریکا عرضه کرد و قول داد که در تشدید محاصره‌ی غزه و تعمیق روابط خود با واشنگتن و تل اوویو کوشا باشد.

حداقل برای این لحظه، دولت اواما اخوان المسلمین را به عنوان هم پیمان کلیدی در مسیر راهبرد عمومی خود در خاور میانه، از جمله جنگ داخلی با پشتیبانی امپریالیستی بر علیه رژیم بشار اسد و برنامه‌های جنگ بر علیه ایران، ارزیابی می‌کند.

همزمان اربابان مالی با تکیه بر مرسی در صدد اجرای سیاستهای چشمگیر ضد کارگری هستند. در پنجشنبه گذشته مرسی یک وام ۴,۸ میلیارد دلاری، مبتنی بر پیشبرد برنامه‌های ریاضت اقتصادی ویرانگر علیه کارگران مصری، از صندوق بین المللی پول دریافت کرد. صندوق بین المللی پول در لحظه کنونی در آن سوی مدیترانه در حال پرتاب پرتاریا یونان به ورطه‌ی فقر و فلاکت است. در روز چهارشنبه مرسی کاهش یارانه‌های سوخت و بنزین را تصویب کرد.

تایمز مالی (فینانشیال تایمز) بدون ذکر نام، به نقل از یک "ناظر غربی ساکن در قاهره"، نظراتی را ذکر می‌کند که در حقیقت بیان انتظارات طبقه حاکمه آمریکا می‌باشد: "یک نفر باید گره کور کشمکش‌های سیاسی را باز کند و قادر به تصمیم‌گیری باشد". منظور همان تصمیماتی هستند که بانکها و موسسات مالی جهانی طالب آن هستند.

جنگ اندازی مرسی به قدرت مستبدانه، نقش ضد انقلابی گروههای شبه‌چپ، مانند سوسیالیست‌های انقلابی مصر و متحدان بین المللی آنها - سازمان بین الملل سوسیالیست ایالات متحده (آی.اس.او) و حزب کارگران سوسیالیست انگلستان - را به معرض نمایش گذاشت. از منظر این گروهها بورژوازی در مصر قادر به ایجاد دموکراسی است. در ابتدا مدعی شدند که نظامیان به قدرت رسیده بعد از سرنگونی مبارک، توسط فشار توان اصلاحات را دارند. آنها بعدا از انتخاب مرسی حمایت کردند و مدعی شدند که او در حال عملی ساختن وظایف انقلاب است.

در ماه ژوئیه وب سایت سازمان بین الملل سوسیالیست ایالات متحده (آی.اس.او)، گزارش یک عضو برجسته سوسیالیست‌های انقلابی مصر، سامح نجیب را منتشر کرد که در آن گفته بود، پیروزی مرسی "موفقیت بزرگ در مبارزه با ضد انقلاب و کودتای نافرجام" است.

این گروهها همچنین همکاری واشنگتن با متحدان سنتی خود - نیروهای راست اسلامگرا را - مورد پوشش سیاسی قرار دادند. آمریکا از این نیروهای راست اسلامگرا در جنگی نیابتی استفاده می‌کند، تا در لیبی و سوریه رژیم‌های متمایل به آمریکا را بر سر کار آورد و راه را برای درگیریه‌های نظامی منطقه‌ای و حمله‌ی احتمالی علیه ایران هموار کند.

هیچ راه دیگری برای رسیدن به دموکراسی واقعی و حقوق اجتماعی، جز از طریق مبارزه برای انقلاب سوسیالیستی وجود ندارد. طبقه کارگر باید مستقل از تمامی نیروهای بورژوازی، برای بزیر کشیدن بورژوازی و احراز قدرت دولتی مبارزه کند. این اما امری ناگسستنی از مبارزه مشترک با کارگران اسرائیلی، کارگران جهان عرب و کارگران جهانی بر علیه امپریالیسم و جنگ افروزیهای امپریالیستی در منطقه می‌باشد.

دور نوین مبارزه در مصر تأییدی است بر دیدگاههای تارنمای جهانی سوسیالیست (WSWS.org). یک روز پس از سقوط مبارک ما نوشتیم: "وظیفه اصلی پیش روی طبقه کارگر تشکیل نهادهای مردمی متکی بر طبقه کارگر، برای سرنگونی بخشهای باقیمانده رژیم مبارک و جایگزینی آن توسط یک دولت کارگری می‌باشد. پیروزی این انقلاب منوط به آن است، که آیا این انقلاب در آنسوی مرزهای مصر تداوم خواهد یافت. بدین منظور باید کارگران مصری با همقطاران طبقاتی خود در سرتاسر خاورمیانه و در کشورهای پیشرفته سرمایه داری متحد شوند. در این مبارزه باید احزابی بر اساس دیدگاه‌های تروتسکیستی پایه ریزی شوند و کارگران در مصر و در سطح جهانی را برای مبارزات طبقاتی مسلح کنند، مبارزاتی که سرنگونی مبارک نشانه‌های آغازین آن است".

نزدیک به دو سال زمان سپری شده از انتشار این بیانیه، هم امکان و هم ضرورت چنین مبارزه‌ای را اثبات می‌کند. سرنگونی مبارک الهام بخش مبارزات توده‌ای طبقه‌ی کارگر در سطح بین‌المللی - ایالات متحده، اسرائیل، اروپا و آسیا - شد.

ضرورت مبارزه مشترک طبقه کارگر با جنگ افروزی علیه غزه، سوریه و در نهایت بر علیه ایران، که پس از انتخاب مجدد اواما شتاب بیشتری یافته است، بیش از پیش خود را نمایان می‌کند.

این مبارزات تنها به عنوان مبارزاتی برای سوسیالیسم می‌توانند کامیاب باشند، به شرط آن که این مبارزات توسط احزابی رهبری شوند، که اساس برنامه آنها، چشم انداز ترسیم شده در تئوری **انقلاب پیگیر** است. مبارزه برای برابری اجتماعی و دموکراسی واقعی و بر علیه عناصری مانند مرسی مستلزم درس آموزی طبقه‌ی کارگر از نبردهای گذشته و پی ریزی کمیته بین‌المللی انترناسیونال چهارم در مصر و سراسر جهان است.